

سیاستگذاری اداره مخازن مشترک نفتی و گازی: مطالعه موردی میادین مشترک ایران و عراق

محسن شالباف

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های انرژی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

عباس ملکی^۱

دانشیار سیاستگذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۵)

چکیده

ایران میادین مشترک متعددی با کشورهای همسایه دارد. بهره‌برداری یک‌جانبه در حالی تاکنون سیاست رایج ایران در مدیریت میادین مشترک بوده است که در این مقاله نشان داده می‌شود تحت شرایطی همکاری در اداره میدان با دولت شریک منافع ملی را بیشتر تأمین می‌کند. این مطالعه با بررسی ابعاد مختلف فنی-اقتصادی، سیاسی و حقوقی موضوع، مدلی جهت اولویت بندی مبتنی بر هزینه و فایده الگوهای اداره میدان از نظر تأمین منافع عمومی کشور ارائه داده است. این بررسی‌ها درباره میادین مشترک بین ایران و عراق به‌عنوان مطالعه موردی به کار گرفته شده‌اند. در نهایت نتیجه گرفته شده که لازم است ایران گفتگوها با دولت عراق را برای رسیدن به یک الگوی همکاری آغاز کند و این پیشنهاد مطرح شده است که همکاری‌ها از میادین کوچک و دست‌نخورده آغاز و به میادین بزرگ و درحال توسعه و استفاده از الگوهای وسیع‌تر همکاری گسترش یابد.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری، میادین مشترک، تصمیم‌گیری، بهینه پارتو، ایران، عراق.

۱. مقدمه

ایران با نه کشور ترکمنستان، آذربایجان، عراق، عربستان، کویت، قطر، امارات، عمان و افغانستان در همسایگی خود مخازن مشترک نفتی و گازی دارد. سهم ایران از مجموع مایعات هیدروکربوری درجا درون مخازن مشترک ۸۵ میلیارد بشکه است. همچنین حدود ۴۰ درصد از ذخایر گازی کشور در میادین مشترک است.

اگر ضریب بازیافت در میادین مشترک تنها حدود ده درصد در نظر گرفته شود، این میزان از ذخایر مشترک برای صادرات روزانه سه میلیون بشکه مایعات هیدروکربوری تا هشت سال کفایت می‌کند. این در حالی است که متوسط صادرات ایران در سال ۱۳۹۴ تنها حدود یک میلیون بشکه بوده است (Annual Statistical Bulletin 2015). حجم قابل توجه ذخایر مشترک، قیمت‌های پایین نفت (در شرایط کنونی قیمت نفت ایران حدود ۲۵ دلار) و نیاز به صرفه جویی در هزینه‌های توسعه‌ای اهمیت اقتصادی قابل توجه این میادین را نشان می‌دهد. این‌ها در کنار حساسیت شرکا درباره تسلط بر این میادین، اهمیت و حساسیت تصمیم‌گیری درباره اداره میادین مشترک را برجسته می‌کند.

اهمیت این موضوع موجب حساسیت نهادهای مسئول نسبت به میادین مشترک شده است. در حال حاضر توسعه میادین مشترک در تمام برنامه‌های وزارت نفت در اولویت قرار دارد^۱. مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران، کشف نفت و گاز میادین مشترک و مرزی را در اولویت اهداف خود قرار داده است^۲. همچنین همکاری در زمینه میادین مشترک و تحدید حدود با کشورهای همسایه از اهم وظایف معاونت امور بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت در نظر گرفته شده است^۳. در برنامه پنجم توسعه نیز اولویت اصلی به توسعه این میادین داده شده است^۴. توسعه یک‌جانبه و رقابت با همسایه در بهره‌برداری از میدان مشترک الگوی واحدی بوده که تاکنون کشور در اداره این میادین پیش گرفته است. این الگو درباره همه میادین و همه شرکا دنبال شده است. یک‌جانبه‌گرایی ممکن است در برخی شرایط بهترین الگو یا گاهی الگو بی‌تحمیل شده از سوی رقیب باشد اما گاهی نیز الگوهای مبتنی بر همکاری، منافع بلندمدت کشور را تأمین می‌کنند.

۱- میادین مشترک؛ اولویت برنامه‌های نفتی ایران، روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۳۵۷۱

۲- <http://www.niocexp.ir/Page18968.aspx>

۳- صفحه معاونت امور بین‌الملل و بازرگانی
۴- بند الف ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه

این مطالعه به این موضوع می‌پردازد که تحت چه شرایطی عدم همکاری و در چه شرایطی اتخاذ راهبرد همکاری بهترین تصمیم در خصوص میادین مشترک است. در این راستا مدلی برای تصمیم‌گیری درباره تعامل با شرکا در اداره میادین مشترک ارائه شده است. میادین مشترک ایران و عراق با استفاده از این مدل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این میادین به این جهت به عنوان مطالعه موردی در نظر گرفته شده‌اند که حجم بالای سیال درون مخازن مشترک ایران و عراق اهمیت تصمیم‌گیری درباره این مخازن را برجسته می‌کند. از طرف دیگر با توجه به تعدد این میادین، اگر باب همکاری با عراق درباره یک میدان گشوده شود، شانس همکاری درباره دیگر میادین مشترک نیز با این کشور افزایش می‌یابد و به این ترتیب نتیجه این مطالعه می‌تواند در خصوص تعداد زیادی مخزن مشترک بین دو کشور مورد استفاده قرار گیرد. شرایط همکاری درباره میادین مشترک بین ایران با عراق به دلیل روابط نزدیک دو دولت بیش از همکاری با دیگر کشورها فراهم است.

سطح توسعه‌یافتگی میادین مشترک با عراق متنوع است برخی از این میادین در حال بهره‌برداری (مثل نفت شهر)، برخی در حال توسعه (مثل آزادگان)، و برخی دیگر دست‌نخورده (مثل سهراب) هستند، از طرف دیگر برخی از نظر حجم تخمینی ذخایر درجا، بزرگ (مثل آزادگان^۱) و برخی کوچک (مثل سهراب^۲) هستند. با توجه به اینکه شرایط میدان از عوامل اثرگذار بر تصمیم‌گیری است، این تنوع در شرایط میادین مشترک با عراق ایجاب می‌کند که اثر شرایط مختلف میادین بر تصمیم‌گیری بررسی شود، این جامعیت مطالعه کمک کرده و نتیجه آن می‌تواند برای اکثر میادین مشترک قابل استفاده باشد.

الگوهای عملیاتی همکاری و عدم همکاری متنوع هستند. این بدین معنی است که همکاری به شیوه‌های مختلف و در سطوح متفاوتی قابلیت اجرایی دارد و از سوی دیگر در پیش گرفتن راهبرد عدم همکاری در عمل می‌تواند به الگوهای متفاوتی بیانجامد. برای تصمیم‌گیری باید الگوهای واقعاً ممکن را احصاء و آنان را بر اساس میزان مطلوبیت رتبه‌بندی کرد. اگر مطلوب‌ترین الگو در چارچوب راهبرد عدم همکاری قرار دارد پیگیری آن نیاز به هماهنگی با کشور شریک ندارد اما اگر مطلوب‌ترین الگو در قالب همکاری بگنجد در این صورت باید نظر شریک را نسبت به آن الگو جلب کرد.

۱- ظرفیت تولید روزانه ۷۵۰ هزار بشکه پس از توسعه کامل در بخش ایرانی (یادگاری، پناهی نژاد و امامی میبدی ۱۳۹۲)
 ۲- ظرفیت تولید روزانه ۳۰ هزار بشکه پس از توسعه کامل در بخش ایرانی (تکلیف یکی از میادین مرزی اروندان مشخص شد ۱۳۹۱)

۲. روش تصمیم‌گیری

انتخاب از میان الگوهای ممکن اداره میدان مشترک جهت بیشینه‌سازی مجموع منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی - که به آن منافع عمومی می‌گوییم - مبنای تصمیم‌گیری کشور در تعامل با شرکا است. در لحظه تصمیم‌گیری^۱ هرکدام از الگوهای اداره میدان بر اساس هزینه و فایده اولویت‌بندی می‌شوند. طبیعی است که هرکدام اولویت بالاتری داشته باشد مورد پیگیری قرار می‌گیرد. اگر امکان پیگیری الگوی با اولویت بالاتر وجود نداشت پیگیری الگوی بعدی در دستور کار قرار می‌گیرد.

در اینجا نیاز است تا الگوهایی که باید در تصمیم‌گیری اولویت‌بندی شوند تعیین و مشخص شود هرکدام در چه شرایطی اولویت بالاتری خواهند داشت. برای این منظور ابعاد سه‌گانه تصمیم‌گیری درباره اداره میادین مشترک شامل ابعاد فنی - اقتصادی، حقوقی و سیاسی بررسی می‌شود. این بررسی، عوامل مؤثر در تغییر هزینه و فایده مربوط به شیوه اداره میدان به همراه امکان‌پذیری و مشکلات پیگیری برخی شیوه‌ها را نشان خواهد داد.

۲-۱- فنی - اقتصادی

اجرای الگوی بهینه بهره‌برداری، نیازمند دسترسی به اطلاعات و امکان اجرای عملیات در همه محدوده‌های روزمینی مخزن است. در مخازن مشترک بدون همکاری و هماهنگی شرکا یا اعمال مدیریت یکپارچه بر مخزن این دسترسی‌ها میسر نخواهد بود.

تولید صیانتی از میادین نفت و گاز - که در بسیاری از قوانین بالادستی از جمله قانون اصلاح قانون نفت (ماده ۷)، قوانین پنجساله توسعه (ماده ۲۲۹) و همچنین ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است - عملیاتی است که منجر به برداشت بهینه و حداکثرسازی ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور و موجب جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت شود.^۲ الگوی بهینه توسعه و بهره‌برداری

۱- لحظه تصمیم‌گیری می‌تواند هر لحظه و در هر شرایطی باشد، در واقع در هر مرحله‌ای از توسعه میدان تصمیم‌گیری می‌تواند یک بار دیگر درباره نحوه اداره میدان تصمیم بگیرد.

۲- بند ۷ از ماده یک قانون اصلاح قانون نفت، تولید صیانت شده از منابع نفت را اینگونه تعریف می‌کند: کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می‌شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت براساس سیاست‌های مصوب می‌گردد.

طبق یک برداشت تولید صیانتی تولید به ترتیبی است که در نهایت پس از عمر مفید مخزن بیشترین میزان از حجم سیال درجا درون مخزن به دست آمده باشد. این امر مستلزم صیانت از مخزن به نحوی است که فعالیت‌های توسعه و بهره‌برداری کمترین آسیب را به آن وارد کند.

ابهام این تعریف در لزوم حداکثرسازی ارزش اقتصادی تولید است. از آنجا که ارزش اقتصادی و قیمت هر واحد نفت در طول زمان تغییر می‌کند، ممکن است باتوجه به قیمت‌های بالای نفت در یک بازه زمانی تعجیل در افزایش تولید کوتاه مدت حتی به قیمت از دست رفتن بخشی از سیال درجا توجیه داشته باشد. درواقع این تعریف راه را برای مصالحه بر سر صیانت از مخزن به سود افزایش کوتاه مدت تولید و به تشخیص وزارت نفت باز می‌گذارد.

الگویی است که در عین تولید صیانتی، کمترین هزینه ممکن برای این عملیات تحمیل شود. هر قدر توسعه میدان به الگوی بهینه نزدیکتر باشد، مجموع منافع استحصالی - صرف نظر از اینکه چه مقدار به کدام شریک برسد - در بهره‌برداری نهایی^۱ بیشتر می‌شود. در اجرای این الگو از همان آغاز بهره‌برداری، برنامه‌های ازدیاد برداشت و بهبود ضریب بازیافت اجرا، تا حد امکان از آسیب به مخزن که موجب حس دائمی سیال یا تحمیل هزینه‌های اضافه برای استخراج آن است، جلوگیری و حفاری‌ها در تعداد مناسب و بهترین جانمایی از نظر فنی انجام می‌شود.

این درحالی است که در صورت اقدام شرکا به بهره‌برداری یک‌جانبه، علاوه بر امتناع دسترسی به اطلاعات لازم یا حفاری در بهترین جانمایی‌ها، ملاحظه کنترل آسیب به مخزن - حتی در طرف خودی مرز نیز - عموماً به سود رقابت در برداشت از مخزن مشترک کنار گذاشته می‌شود. همچنین برخی دوباره‌کاری‌ها و ساخت تأسیسات بهره‌برداری و انتقال در دو سوی مرز ناگزیر خواهد بود^۲. بنابراین همکاری، از نظر فنی منافع اقتصادی دارد. هر چه همکاری در مراحل اولیه توسعه مخزن انجام شود، منافع اقتصادی آن به علت آسیب کمتر به مخزن و رفع دوباره‌کاری‌ها بیشتر است. بازاریابی یک‌جانبه محصول تولیدی از میدان نیز روشی بهینه نیست و موجب کاهش عواید می‌شود. بازاریابی برای یک نوع سیال با مشخصات یکسان وقتی توسط بیش از یک فروشنده انجام شود، موجب رقابت در فروش، افزایش هزینه‌ها و افت قیمت می‌گردد.

۲-۲- سیاسی

مخزن مشترک یک ساختار زیرزمینی ارزشمند و یک‌تکه است که در محدوده سرزمین یا آب‌های مورد اختلاف واقع شده یا از یک طرف خط مرزی توافق شده عبور کرده و در سوی دیگر مرز نیز قابل بهره‌برداری و استحصال باشد. به این ترتیب همواره بیش از یک کشور بر سر مالکیت میداین مشترک ادعا دارد. اگر در مدیریت میدان مشترک همکاری و هماهنگی بین کشورهای شریک وجود نداشته باشد، خطر اختلاف و تنش بین کشورها بر سر مدیریت مخازن مشترک وجود دارد.

اختلاف بر سر میداین مشترک می‌تواند بر دیگر شئون روابط بین شرکا اثر گذاشته و تبعات سیاسی و امنیتی مهمی پیدا کند. برای نمونه اختلاف بر سر کنترل میدان مرزی و فوق بزرگ

1- Ultimate recovery

۲- در شرایط فعلی، ضریب بازیافت میداین مشترک با عراق ده درصد کمتر از ضریب بازیافت میداین غیرمشترک ارزیابی می‌شود. این به حبس میلیاردها بشکه سیال زیر سطح زمین است. یکی از مشارکت‌کنندگان در پروژه یکپارچه‌سازی میداین مالزی و برونی، کاهش هزینه‌های توسعه میدان در اثر رفع دوباره‌کاری‌ها را حدود ۳۰ درصد برآورد می‌کند (منبع: گفتگو رودرو).

رومیله^۱ از علل جنگ بین عراق و کویت شمرده می‌شود. در یک مورد در تیر ۱۳۸۰، اختلاف بین ایران و آذربایجان بر سر میدان مشترک البرز در دریای خزر آنقدر بالا گرفت که نیروی هوایی ارتش ایران وارد عمل شد. در آذر ۱۳۸۸ بین ایران و عراق نیز چند مورد تنش مرزی بر سر میادین مشترک روی داده است (Iraq-Iran in oilfield dispute 2009).

روابط خوب دولت‌ها در وضعیت فعلی و نبود تنش بین آن‌ها در شرایط کنونی دلیلی منطقی برای مسکوت گذاشتن موارد اختلافی نیست. تحولات سیاسی آینده ممکن است روابط شرکا با یکدیگر را از این بدتر کند در این صورت اختلاف در مورد میادین مشترک ظرفیت تبدیل به معضل امنیتی جدی را دارد. در مورد عراق که کشوری است که در آن تضادهای سیاسی شدیدی بین قبائل و گروه‌های در پی قدرت جریان دارد، کافی است تصور شود که دولتی بر سرکار آید که روابط فعلی با دولت ایران را نپسندد.

پیمانکاران نیز برای سرمایه‌گذاری و توسعه میادین محل اختلاف رغبت کمتری دارند. کار در این میادین به دلیل احتمال تنش‌ها در آینده ریسک بیشتری دارد. همچنین آنان مایل نیستند به قیمت کار در یک میدان اختلافی رابطه خود با دیگر کشور شریک را تیره کنند. رغبت کم پیمانکاران، هزینه عملیات و تأمین مالی این پروژه‌ها را بالا می‌برد.

در مقابل پیامدهای اختلاف، هماهنگی و همکاری فراگیر در میادین مشترک از آسیب‌پذیری کشور در قبال بی‌ثباتی‌ها و تحریم‌ها می‌کاهد. اگر مدیریت میدان به صورت کامل به کشور همسایه سپرده شود این امید وجود دارد در صورتی که فروش نفت کشور مورد تحریم قرار گیرد، عراق بتواند به نیابت از ایران نفت میدان مشترک را به فروش رساند و عواید ناشی از آن را به کشور منتقل کند. عراق نیز به عنوان کشوری که در معرض بی‌ثباتی است از سپردن میادین مشترک به ایران سود می‌برد. اگر بی‌ثباتی در عراق فراگیر شود ایران از میدانی که مدیریت آن به او سپرده شده محافظت خواهد کرد و این امکان را دارد که عواید ناشی از فروش را به دولت عراق انتقال دهد.

تنش، زمینه‌ساز تنش‌های جدید است و همکاری، همکاری می‌آورد. حل اختلاف یا همکاری بر سر میادین مشترک می‌تواند دریچه‌ای برای حل دیگر اختلافات فی‌مابین و زمینه‌ساز همکاری‌های بیشتر طرفین در زمینه انرژی یا دیگر حوزه‌ها شود. در نگاه کلی همکاری در میادین مشترک زمینه برخی ضررهای اقتصادی و ریسک‌های امنیتی را رفع می‌کند و حتی برخی از روش‌های همکاری موجب کاهش آسیب‌پذیری شرکا از خطرات اقتصادی و امنیتی می‌شود.

۱- این میدان در حال حاضر حدود ۱.۳ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند و از این لحاظ ششمین میدان بزرگ در دنیا است (Top Ten Highest Producing Oil Fields ۲۰۱۳).

سطح روابط سیاسی شرکا در امکان و سهولت همکاری در اداره میادین مشترک اثرگذار است. روابط بهتر ایران با عراق نسبت به عربستان امکان مذاکره و امید رسیدن به توافق با عراق را بیشتر می‌کند. اعتماد بین شرکا نقش تعیین‌کننده در مذاکرات دارد. در شرایطی که روابط پرتنش باشد هم شروع مذاکره سخت‌تر هم امکان به بن‌بست رسیدن مذاکرات بیشتر است و هم امکان اثرگذاری تنش‌های جدید بر انصراف هرکدام از شرکا از مذاکرات زیاد است^۱ در مقابل در صورت نزدیکی روابط، نظام سیاسی دو کشور حساسیت کمتری نسبت به مذاکرات و انجام توافق وجود خواهد داشت و به‌این‌ترتیب شرایط برای افزایش سطح همکاری دو کشور در توسعه میدان آسان‌تر است.

اراده و انگیزه شریک نیز از عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری همکاری است. ممکن است کشور مقابل به دلایل غیراقتصادی تمایلی به همکاری نداشته باشد، در این صورت مجاب کردن او به همکاری پرهزینه یا گاهی غیرممکن است.

۲-۳- حقوقی

مباحث حقوقی مؤثر بر تصمیم‌گیری درباره میادین مشترک به دو زیر بخش حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل تقسیم می‌شوند. تحلیل حقوقی، کارایی برخی الگوها و در دسترس بودن برخی دیگر را نشان می‌دهد. نیاز به بررسی محدودیت‌های قانونی نسبت به توافق با دول خارجی، اجازه مصالحه درباره برخی موضوعات و امکان توافق بر برخی از اقسام همکاری از نظر حقوق داخلی وجود دارد. از آنجاکه مالکیت میادین مشترک در اختیار بیش از یک دولت است و امکان بروز اختلاف بر اعمال حاکمیت بین دولت‌ها وجود دارد، بررسی موضوع از منظر حقوق بین‌الملل نیز لازم است.

۲-۳-۱- حقوق داخلی

حقوق داخلی مشخص می‌کند چه نهادی مسئولیت تصمیم‌گیری درباره مدیریت میادین مشترک، شیوه تعامل با شرکا، مذاکره و عقد قرارداد با آن‌ها را بر عهده دارد و اختیارات این نهاد در این امور چقدر است.

اهمیت این بررسی در مشخص کردن موانع قانونی در پیگیری برخی الگوها است. در صورت وجود چنین منعی پیگیری این الگوها حتی اگر در راستای منافع ملی کشور باشد با

۱- در صورتی که روابط فی‌مابین شرکا خوب نباشد هر تنش تازه در روابط حتی وقتی کاملاً بی‌ربط به موضوع است- می‌تواند مذاکرات را به محاق برد. سال‌ها تلاش چین و ژاپن برای مذاکره بر میادین دریای شرق چین نمونه خوبی از اثرگذاری روابط پرتنش بر مذاکرات است. ظرف پنجاه سال گذشته هرگاه مذاکرات دو کشور به توافق نزدیک شده تنش‌ها تازه در روابط دوجانبه موجب ترک میز مذاکره شده و به‌این‌ترتیب علیرغم برخی توافقات اولیه تاکنون هیچ‌گونه همکاری بین دو کشور در این زمینه رخ نداده است (Acheson 2011).

دشواری همراه است. موضوع مذاکره با دول خارجی بر سر همکاری در میادین مشترک نفت و گاز به حاکمیت بر میادین و روابط خارجی برمی گردد. از این جهت نیاز است تا به قوانین مربوطه و شرایط امضا و تصویب مقابله نامه‌ها نگاه کرد.

در قوانین بالادستی هیچ تصریحی مبنی بر مقیدسازی اختیار دولت در سهم‌بندی منابع با شرکا وجود ندارد، لکن تأکید بر مالکیت دولت بر معادن نفت و گاز مشخص می‌کند توافق با کشورهای شریک باید به گونه‌ای باشد که مالکیت دولت بر این معادن حفظ شود.^۱ این قوانین اجازه خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی برای بهره‌برداری از معادن نفت و گاز را به شرکت ملی نفت ایران داده است. شرکت ملی نفت تاکنون از این اختیار برای استخدام پیمانکاران داخلی و خارجی استفاده کرده است. از نقطه نظر قانونی دلیلی برای منع استفاده از خدمات یک دولت دیگر وجود ندارد و به ترتیب مشابه شرکت ملی نفت اجازه دارد دولت شریک را به عنوان ارائه‌دهنده انواع خدمات در مورد میدان مشترک یا وکیل در مذاکره و عقد قرارداد با پیمانکار استخدام کند. بدیهی است که شرکت ملی نفت می‌تواند حق تأیید قرارداد پیمانکار را برای خود محفوظ نگه دارد.

مسئله دیگر تفاوت سبک قراردادهای جاری بین دولت‌ها و پیمانکاران است. اگر توافق شود شرکا قراردادهای جداگانه ولی یکسان با پیمانکاران ببندند، شرکا باید بر اساس قوانین داخلی خود امکان امضای قراردادهای مشابه یکدیگر را داشته باشند. در حال حاضر سبک قراردادهای نفتی‌ای که شرکای ایران با پیمانکاران منعقد می‌کنند با قراردادهای معمول در ایران متفاوت است و برخی همسایگان از نوعی از قرارداد استفاده می‌کنند که اختیارات بیشتری در

۱- بند ج ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی بیان می‌دارد که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیتهای و بنگاههای مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون منحصرأ در اختیار دولت است.
در ماده ۲ این قانون، معادن نفت و گاز و شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز در گروه سه قرار داده است.

در تبصره ۱ بند ج ماده ۳ این قانون آمده است که خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی از بنگاههای بخش‌های غیردولتی در فعالیتهای گروه سه ماده (۲) این قانون به شرط حفظ مالکیت صددرصد (۱۰۰٪) دولت طبق آیین‌نامه‌ای که ظرف مدت شش ماه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مجاز است.

آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) بند (ج) ماده (۳) قانون یادشده:

ماده ۲- خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی در خصوص فعالیت‌های یازده گانه موضوع گروه (۳) ماده (۲) قانون در هر مورد با تشخیص بالاترین مقام اجرایی وزارتخانه یا موسسه دولتی ذی‌ربط مجاز است.

تبصره ۱- خرید خدمات موضوع این ماده در مورد فعالیت‌هایی که به صورت بنگاه دولتی اداره می‌شوند، با پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیأت مدیره بنگاه مجاز است.

ماده ۴- در خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی از بنگاه‌های غیردولتی به شرح مواد مذکور توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط رعایت ماده (۲۹) قانون برگزاری مناقصات و سایر قوانین و مقررات مورد عمل هر دستگاه حسب مورد ضروری خواهد بود.

ماده ۵- اقدام دستگاه‌ها در خرید خدمات از بنگاه‌های غیردولتی باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت فعالیت‌های موضوع این آیین‌نامه همچنان در اختیار دولت باشد.

تسلط بر میدان برای پیمانکاران قائل است. قراردادهای جاری ایران در زمینه نفت و گاز از نوع خرید خدمت هستند که تسلط پیمانکار بر میدان کم و طول دوره اجرای قرارداد کوتاه است. از نظر قوانین داخلی، ایران محدودیتی برای عقد قراردادهای مشارکت در تولید نیز که حد بالایی از تسلط بر میدان را برای پیمانکار فراهم می‌کند و حتی در کشورهای همسایه نیز رواج کمتری دارند، ندارد (امانی و شفیع زاده خولنجانی ۱۳۹۱). بنابراین اگر بر اساس تشخیص تصمیم گیر منافع ایران در عقد این نوع از قراردادها باشد، مانعی بر استفاده از این نوع از قراردادها وجود ندارد.

وزارت نفت اعمال حق حاکمیت بر منابع نفتی را بر عهده دارد، این وزارتخانه در برقراری ارتباط با دولت‌های خارجی موظف به هماهنگی با وزارت خارجه و متقابلاً وزارت خارجه نیز مکلف به تسهیل مذاکرات وزارت نفت با دولت خارجی است. در صورت امضای مقاله نامه بین دولت‌ها، وفق اصل ۷۷ قانون اساسی توافق باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.^۱ با توجه به ابعاد مهم امنیتی موضوع و لزوم هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی، شورای عالی امنیت ملی نیز حق هدایت و امکان پشتیبانی از مذاکرات را دارد.^۲

۲-۳-۲- حقوق بین الملل

اصل حاکمیت ملی بر قلمرو سرزمینی، حق بهره‌برداری از مخازن مشترک در درون محدوده مرزی کشور را برای هریک از کشورها تضمین کرده است. بهره‌برداری از مخازن مشترک موجب افت فشار در مخزن، مهاجرت سیال از قسمت پرفشار به کم‌فشار و در صورت بهره‌برداری غیراصولی صدمه به مخزن می‌شود. بهره‌برداری یک‌جانبه از طریق مکش بخشی از سیال که در شرایط پیش از بهره‌برداری در محدوده مرزهای شریک بوده، موجب ناممکن شدن اعمال حق حاکمیت شریک بر سیال مهاجرت کرده و از طریق صدمه به مخزن موجب آسیب به منافع ملی آن کشور می‌شود.

۱- ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت: کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروتهای عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است.
ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت خارجه؛ کلیه نهادها و ارگانهای جمهوری اسلامی مکلفند در تنظیم مناسبات و برقراری هر نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرار داد و همکاریهای فنی، اقتصادی، فرهنگی علمی و نظامی با کشورهای خارج و سازمانهای بین المللی هماهنگی سیاسی لازم با وزارت امور خارجه به عمل آورده و وزارت امور خارجه نیز مکلف است نسبت به فراهم آوردن موجبات تأمین هماهنگی و ایجاد ارتباط و تسهیلات لازم بر اساس اصول و سیاستهای خارجی و حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران اقدام لازم را معمول دارد.

اصل ۷۷ قانون اساسی: عهدنامه‌ها، مقاله نامه‌ها، قراردادهای و موافقت نامه‌های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۲- اصل ۱۷۶ قانون اساسی، وظایف و اختیارات شورا عالی امنیت ملی

لذا در پیگیری الگوی بهره‌برداری یک‌جانبه دو اصل وسیعاً پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل یعنی اصل حاکمیت ملی بر قلمرو سرزمینی و اصل مالکیت و حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع و ثروت‌های طبیعی در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. مسئله این است که آیا دولتی که به واسطه اقدام شریک به بهره‌برداری یک‌جانبه از مخزن مشترک تلقی تحدید در حاکمیت بر منابع ملی خود کند امکان شکایت مؤثر و احقاق حق در مراجع بین‌المللی را دارد یا خیر. فرض بر این است که حفاری‌ها در محدوده سرزمینی یا آب‌های مورد توافق و به روش‌های مشروع حفاری نه تجاوز به حریم مرزی طرف مقابل صرت گرفته باشد. پاسخ به این سؤال که امکان به نتیجه رسیدن دعاوی مبتنی بر چنین تلقی‌هایی را نشان خواهد داد، در تصمیم‌گیری درباره پیگیری روش‌های مختلف بهره‌برداری و تشخیص شرایط مناسب برای طرح دعاوی حقوقی علیه دولت‌های شریک مؤثر است.

مرجع رسیدگی به دعاوی دولت‌ها، دیو آن دادگستری بین‌المللی - مستقر در شهر لاهه - است لکن در بسیاری از موارد امکان مراجعه مؤثر به این دیو آن وجود ندارد. صلاحیت دیو آن در رسیدگی به هر دعوی مبتنی بر رضایت طرفین دعوی در مراجعه به دیو آن است و اولین وظیفه دیو آن در هر دعوی، احراز صلاحیت خود و در نتیجه احراز رضایت طرفین در رجوع به دیو آن است. از آنجاکه لازمه ورود دیو آن به موضوع، اتفاق نظر دولت‌های طرف دعوی در ارجاع موضوع به دیو آن است^۱، بسیار بعید است که دولتی که اقدام به نقض حقوق همسایه کرده است به ارجاع موضوع به دیو آن لاهه تن دهد.

اگر طرفین دعوی رجوع به دیو آن را - در نتیجه فشارهای سیاسی - بپذیرند این دیو آن بر اساس ماده ۳۸ اساسنامه خود بر طبق حقوق بین‌الملل و وفق موارد زیر اقدام به رسیدگی و صدور رأی خواهد کرد.

الف - عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛

ب - عرف بین‌المللی به عنوان رویه‌ای کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است؛

ج - اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است؛

د - با رعایت حکم ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغین ملل مختلف به‌منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی^۲.

۱- این اتفاق نظر باید مندرج در قرارداد خاصی به دیوان عرضه یا به صورت جداگانه توسط دولت‌ها به دیوان اعلام شود (ضیائی بیگدلی ۱۳۹۳)، گاهی کشورها در حین انعقاد عهدنامه یا قراردادی، شرط ارجاع اختلافات احتمالی به دیوان را می‌گنجانند و به‌این ترتیب صلاحیت دیوان را برای حل اختلافات احتمالی آینده به رسمیت می‌شناسند.

۲- اساسنامه دیوان

توجه به معاهده‌های دولت ایران با دولت‌های همسایه، عهدنامه‌های عمومی بین‌المللی، عرف بین‌المللی شکل‌گرفته درباره موضوع و اصول حقوقی مقبول ملل متمدن درباره اداره میادین مشترک تا حدودی مشخص می‌کند در صورت مراجعه به دیو آن بین‌المللی دادگستری رأی احتمالی چه سمت و سوی خواهد داشت.

ایران با برخی از همسایگان توافقنامه‌های تحدید حدود دریایی دارد که در برخی از آن‌ها الزاماتی برای عدم حفاری در محدوده‌های معین مرزی و توصیه‌هایی برای بهره‌برداری همکارانه وجود دارد اما نه در توافقنامه‌های تحدید حدود دریایی و نه در دیگر توافقنامه‌های بین ایران و همسایگان هیچ سند الزام‌آوری در خصوص لزوم همکاری یا کسب رضایت شریک در بهره‌برداری از مخازن مشترک نفت و گاز در مناطقی به‌جز محدوده‌های مشخص شده وجود ندارد.

هرچند مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های مختلفی^۱ بر اصولی چون لزوم همکاری دولت‌های ذی‌ربط در بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک و اجتناب از ورود خسارت‌های زیست‌محیطی در بهره‌برداری از منابع فرامرزی تأکید کرده است لکن هیچ دستورالعملی دایر بر الزام به خودداری از بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع مشترک نفت و گاز و الزام دولت‌ها به مذاکره برای دستیابی به توافقنامه‌های بهره‌برداری اشتراکی وجود ندارد (کاشانی ۱۳۸۷).

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، در مورد منابع زیر بستر دریا و در غیاب موافقت‌نامه دوجانبه، دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر موقتی با حسن نیت جهت همکاری تا رسیدن به توافق در تحدید حدود دریایی، ملزم نموده است و از همه طرف‌ها می‌خواهد هرگونه اقدام یک‌جانبه که سبب مخدوش شدن روند توافق نهایی می‌شود خودداری ورزند (جهانی ۱۳۹۰, Ong ۱۹۹۹). ایران این کنوانسیون را امضا اما از تصویب آن خودداری کرده و در نتیجه عملاً به آن نپیوسته است.

اینکه چه سطحی از اجرا یا پذیرش عمومی یک قاعده در بین دولت‌ها آن را تبدیل به عرف بین‌المللی می‌کند، از سوی دیو آن دادگستری مشخص نشده است. مسلم درباره میادین مشترک این است که در سال‌های اخیر تعداد زیادی توافقنامه همکاری در برداشت یکپارچه، بین دولت‌ها امضا و اجرا شده است اما در مواردی که چنین توافقی وجود ندارد، دولت‌ها به برداشت یک‌جانبه خود ادامه داده‌اند. در واقع همکاری تاکنون بیشتر به‌عنوان یک الگوی

۱- منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۳۲۸۱)، قطعنامه همکاری زیست‌محیطی در رابطه با منابع طبیعی مشترک (۳۱۲۹) قطعنامه مجمع عمومی در خصوص اصول راهنمای برنامه محیط زیست ملل متحد در خصوص منابع طبیعی مشترک (۱۸۶/۳۴) قطعنامه مجمع عمومی در خصوص اعلامیه اجلاس ملل متحد درباره محیط زیست انسانی (۲۹۹۴) (جهانی ۱۳۹۰)

اختیاری برای استفاده بهینه از مخزن مشترک دیده شده است و باور عمومی وسیعاً پذیرفته شده‌ای مبنی بر اجباری بودن همکاری یا خاطی تلقی کردن دولت بی‌میل به همکاری وجود نداشته است.

در غیاب عهدنامه بین دولت‌ها، قطعنامه‌ها، تعهدات الزام‌آور و عرف بین‌المللی، اصول عمومی حقوقی مقبول ملل متمدن می‌تواند منبع آرای داوری باشد. در حال حاضر در نبود توافق بین دولت‌ها، قاعده رایج در بهره‌برداری از میداین مشترک قاعده حیازت^۱ است. این قاعده که از حقوق داخلی ملل متمدن به حقوق بین‌الملل راه یافته و از مشروعیت بین‌المللی برخوردار است، نفت و گاز زیرزمین را به مانند پرندگان یا جانوران وحشی می‌داند که در ملک هرکس بروند صاحب زمین حق مالکیت نسبت به آن پیدا می‌کند. بنابراین مالکیت بر نفت صرف‌نظر از اینکه چه مقدار نفت واقعاً در زمین‌های کدام سو از مرز قرار گرفته از استخراج و تصرف عملی بر آن به دست آمده و هر طرف مالک هر مقدار نفتی است که تصاحب کرده است. به این ترتیب اگر در حفاری‌ها به محدوده مرزی کشور مجاور تجاوز نشده باشد رأی دیو آن احتمالاً بر اساس قاعده حیازت^۲ خواهد بود و مسئله مهاجرت سیال را نادیده خواهد گرفت.

در جمع‌بندی باید در نظر داشت در شرایطی که از پیش توافقی بین دولت‌ها برای رجوع به دیو آن در صورت اختلاف و اصولی که بر اساس آن داوری انجام پذیرد، وجود نداشته باشد، مشکلات احراز صلاحیت دیو آن در ورود به دعوی، کم بودن احتمال موفقیت در اخذ رأی قوی و الزام‌آور و خطر اعلام رأی در تائید نسبی رفتار خواننده و اعطای مشروعیت به رفتار او از موانع جدی رجوع به دیو آن هستند.

نحوه بررسی و رای دیو آن در موضوعات مشابه را می‌توان به عنوان رویه دیو آن در رسیدگی در نظر گرفت. تمامی سوابق رجوع به دیو آن که در آنها به نحوی موضوع میداین مشترک طرح شده از جمله سه مورد قضیه یمن-اریتره، قضیه آلمان، دانمارک و هلند و قضیه ترکیه و یونان، میداین نفت و گاز در نواحی دریایی مورد اختلاف و نه در محدوده‌های مرزی از پیش تعیین شده قرار داشتند (کاشانی ۱۳۸۷). بنابراین این سه مورد به کار گمانه زنی درباره رای احتمالی دیو آن در صورت رجوع به آن در مورد تحدید مرز آبی و بهره‌برداری از منابع در محدوده اختلافی - مثل دریای خزر یا مرز و میداین مشترک با کویت و امارات^۳ در خلیج فارس - و نه همه اختلافات در میداین مشترک خواهد آمد.

1- Rule of Capture

۲- حیازت به معنی تصرف مالکانه در اموال منقول مباح به شرط آباد کردن است.

۳- موافقتنامه های تحدید حدود با این دو کشور وجود ندارد.

در شرایط وجود قرارداد قبلی بین دولت‌ها در رجوع به مرجع دادرسی و مشخص بودن مبانی داوری، طبیعی است که بر اساس آن توافق -چه مرجع مورد توافق دادرسی دیو آن لاهه باشد یا هر مرجع دیگری- عمل شود.

در نبود چنین توافقی، همچنین نبود اراده‌ای در شریک برای همکاری می‌توان با ارزیابی تبعات سیاسی مسئله مهاجرت سیال و صدمه به مخزن را جهت اعمال فشار سیاسی بر شریک در گفتگوهای دوجانبه و مجامع بین‌المللی مطرح کرد. طرح ادعاهای این‌چنینی می‌تواند در تغییر باور عمومی و عرف بین‌المللی از مشروعیت بهره‌برداری یک‌جانبه به لزوم همکاری شرکا در اداره میدان مشترک مؤثر باشد.

۳- فواید و هزینه‌های همکاری دولت‌ها در توسعه میادین مشترک

تعیین اولویت الگوها بر اساس مقایسه هزینه و فایده‌ها انجام می‌شود. الگوها باید از نظر مجموع منافع قابل استحصال از مخزن اولویت‌بندی شوند. هزینه و فایده‌های ذکر شده برای همکاری کیفی هستند که بسته به نوع و سطح همکاری متغیرند.

۳-۱- مزایای همکاری در میادین مشترک

۱- تجربه‌های همکاری کشورهای شریک در میادین مشترک نشان می‌دهد که بسته به سطح همکاری طرفین و اینکه همکاری در چه مرحله‌ای از توسعه میدان آغاز شود هزینه‌های کلی توسعه و بهره‌برداری به دلیل تجمع فعالیت‌ها و رفع دوباره‌کاری‌ها بسیار کاهش می‌یابد. درحالی‌که هزینه‌های توسعه میادین مشترک ایران با عراق میلیاردها دلار برآورد می‌شود رقم صرفه‌جویی قابل توجه خواهد بود.

۲- تولید صیانتی از مخازن نفتی - بهبود ضریب بازیافت و کنترل آسیب‌ها به مخزن- نیازمند همکاری شرکا در زمینه توسعه و مدیریت میادین مشترک است.

۳- مهاجرت سیال از مرزهای کشور یکی از نگرانی‌های عمده وزارت نفت است. در مدل‌های همکاری یا برای جلوگیری از مهاجرت سیال چاره‌اندیشی شده است یا این نگرانی موضوعیت خود را از دست می‌دهد.^۱

۴- بهینه شدن عملیات اجرایی توسعه میدان از تخریب یا تغییر غیرضروری در محیط مورد بهره‌برداری جلوگیری می‌کند. این مهم خصوصاً هنگامی که محل بهره‌برداری از نظر زمین یا مسائل زیست‌محیطی ارزش زیادی دارد توجه بیشتری جلب می‌کند. برای مثال

۱- چاره‌اندیشی از طریق هماهنگی در سرعت تولید از مخزن، در برخی الگوهای همکاری چون طرفین در مجموع تولید شراکت می‌کنند دیگر اهمیت ندارد نفت از کدام طرف مرز استخراج می‌شود.

فعالیت‌های مربوط به توسعه میدان آزادگان مشترک بین ایران و عراق و واقع در منطقه دشت آزادگان موجب کم‌آبی، آلودگی و در برخی نواحی خشک شدن هورالعظیم که یکی از ارزشمندترین تالاب‌های طبیعی کشور است شده، پیامدهای جدی زیست‌محیطی و اجتماعی به بار آورده است. این در حالی است که برخی از آسیب‌ها ناشی از تعجیل در توسعه میدان به بهانه مشترک بودن آن ذکر شده است. در مهر ۱۳۹۱ محمدجواد محمدی زاده معاون رئیس‌جمهور و رئیس وقت سازمان حفاظت از محیط‌زیست در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس با اشاره به انتقاد کارشناسان سازمان متبوعش از عملکرد وزارت نفت در هورالعظیم می‌گوید جاده‌سازی‌های غیرضروری در عرصه تالابی صورت گرفته و عرض مورد توافق در مورد جاده‌ها رعایت نشده است. به علت این فعالیت‌ها ارتباط آبی بین بخش‌های مختلف تالاب از میان رفته و هور در برخی قسمت‌ها به حالت مرداب درآمد است. وی همچنین از تخلف وزارت نفت در زمینه دفع زباله و فضولات دیگر به‌ویژه پسماندهای استحصال‌شده از حفاری چاه‌ها و پساب‌های تخلیه‌شده در آن منطقه انتقاد کرد (محمدی زاده ۱۳۹۱). تغییرات زیست‌محیطی پیامدهای شدیدی در منطقه ایجاد کرده است، مطالعات انجام‌شده توسط دانشگاه تهران نشان می‌دهد قسمت‌های خشک‌شده هورالعظیم یکی از کانون‌های گردوغبار است (آخانی ۱۳۸۹). خشک شدن و تغییر در اکوسیستم هورالعظیم بر زندگی مردم منطقه اثر سوئی گذاشته و ممر درآمد برخی را قطع کرده است. این در حالی است که مردم شاهد عملیات شرکت‌های نفتی در منطقه هستند و چون فایده فعالیت‌های آن‌ها را در زندگی خود مشاهده نمی‌کنند بخش زیادی از مشکلات را به حضور آن‌ها نسبت می‌دهند (حیدری ۱۳۹۴).

در صورت همکاری دو کشور انگیزه کم‌توجهی به ملاحظات زیست‌محیطی و اجرای عملیات عمرانی غیرضروری از میان می‌رفت و به‌جای آن حتی امکان استفاده از تأسیسات زیر بنایی طرف عراقی وجود می‌داشت.

۵- بهبود تصویر سیاسی کشور در منطقه و جهان به‌عنوان کشوری صلح‌دوست و ملتی بالغ که تو آن حل اختلافات با همسایگان از طریق گفتگو و جلب همکاری دارد. افزایش اعتبار سیاسی کشور زمینه‌ساز تسریع توسعه اقتصادی است.

۶- اختلافات در مورد میادین مشترک همواره زمینه‌ساز تنش و بعضاً درگیری نظامی بین همسایگان بوده است. همکاری در میادین مشترک خطر تنش در مرزها را از بین می‌برد و به صلح جهانی کمک می‌کند. در موقعیت پساب‌برجام که پیش‌بینی‌ها از سرعت گرفتن

فعالیت‌های ایران در مورد میادین مرزی حکایت دارد، احتمال ایجاد تنش‌ها بیشتر می‌شود.

۷- رفع زمینه تنش در روابط کشورها در مورد میادین مشترک، جذب سرمایه‌گذار برای این میادین را ساده‌تر می‌کند. بسیاری از پیمانکاران تعمداً از مشارکت در میادین مشترک دوری می‌کنند زیرا نمی‌خواهند روابط خود را با دیگر ذینفعان تیره کنند. به همین دلیل در قراردادهای جدید، برای ترغیب سرمایه‌گذاران به ورود به میادین مشترک این میادین نیز در زمره میادین پر ریسک قرار گرفته‌اند.

۸- الگوهای همکاری گسترده بین شرکا به بهبود امنیت انرژی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از خطر تحریم‌های بین‌المللی نیز کمک‌رسان است. مدیریت یکپارچه اگر شامل مدیریت بازاریابی واحد شود هم از ورود نفت یکسان توسط چند فروشنده به بازار که مخل بازاریابی خوب است جلوگیری می‌کند و هم اعمال تحریم‌ها فروش نفت حداقل در مورد موضوع همکاری را دشوار می‌کند.

۹- همکاری در روابط بین کشورها معمولاً زمینه‌ساز همکاری‌های تازه می‌شود. همکاری با خود همکاری تازه و گسترش روابط می‌آورد. همکاری بر سر میادین مشترک فرصتی برای توسعه همکاری‌ها خصوصاً در بخش انرژی بین همسایگان ایجاد می‌کند.

۲-۳- هزینه‌های همکاری

هر همکاری در کنار فواید، هزینه‌ها و ریسک‌های اضافی دارد. هزینه‌های معامله^۱ در اتخاذ روش همکاری برای توسعه میادین مشترک به پنج دسته تقسیم می‌شوند (Wang 2013):

۱- هزینه مذاکره، چانه‌زنی، تدوین توافق

رسیدن به توافق نیازمند صرف وقت و اختصاص نیروی کارشناسی است. از طرف دیگر تمرکز بر الگوهای مبتنی بر همکاری می‌تواند توسعه میدان را به تعویق اندازد.

۲- هزینه نظارت بر اجرای تعهد

نظارت بر اجرای تعهدات نیازمند تشکیل یک سیستم نظارتی است.

۳- هزینه سرایت مشکلات یکی از طرف‌ها به طرفین

وجود مشکلاتی مثل فساد اداری، بی‌ثباتی سیاسی و تحریم‌های خارجی در یکی از طرف‌ها می‌تواند کار کردن با او را پر ریسک و پرهزینه کند.

۴- ریسک شکست توافق

ریسک بر هم خوردن توافق پس از مدتی اجرا یا اساساً نرسیدن به توافق علیرغم هزینه برای آن.

۵- کاهش تسلط بر میدان

در شرایط توسعه یک‌جانبه تعهدی بین شرکا نسبت به یکدیگر وجود ندارد و هر یک امکان هرگونه دخل و تصرف در محدوده مرزی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای با کمترین ریسک اضافه و بدون الزام به جبران خسارات شریک را دارند اما در شرایط همکاری این بسط پد محدود می‌شود.

همکاری شرکا در بهره‌برداری از یک مخزن مشترک، منافع جدید و هزینه‌های اضافی همراه دارد. همکاری در برخی موارد موجب افزایش منافع عمومی و نزدیکی به الگوی بهینه توسعه و بهره‌برداری از میدان می‌شود. جهت اولویت‌بندی الگوها در شرایط مختلف - که مشخص‌کننده این است که در هر شرایط کدام الگو منافع بیشتری تأمین می‌کند - لازم است الگوهای اداره میدان تعیین و شرایطی که هر الگو اولویت بهتری دارد، مشخص شود.

اگر در شرایط و وضعیتی بر اساس مطالعات امکان‌سنجی اولیه توسعه میدان توجیه اقتصادی نداشته باشد، اولویت نخست و انتخاب تصمیم‌گیر انصراف از توسعه میدان و اولویت دادن به الگو انجام هیچ کار خواهد بود. به جز الگو انجام هیچ کار باقی الگوها با توجه به فواید و هزینه‌های قابل توجه همکاری نسبت به یک‌جانبه‌گرایی، بر اساس سطح همکاری شرکا به حصر استقرائی درآمده‌اند. واقعیت این است که می‌توان بی‌شمار الگو همکاریانه متفاوت از نظر سطح همکاری که در جزییات تفاوت اندکی با یکدیگر داشته باشند فرض کرد لکن در اینجا تنها الگوهای مختلف همکاری که تفاوت قابل توجه‌ای نسبت به یکدیگر دارند و از نظر حقوق داخلی ایران منعی برای پیگیری آن‌ها وجود ندارد، با نگاه به تجربه‌های همکاری بین دولت‌های مختلف تفکیک شده‌اند.

پس از احراز توجیه اقتصادی توسعه میدان، الگوهای اداره میدان از نظر بیشینه‌سازی منافع عمومی قابل استحصال از مخزن مشترک - صرف نظر از اینکه چه مقدار به کدام شریک برسد - بر اساس هزینه و فایده اولویت‌بندی می‌شوند. در واقع در این مرحله به دنبال بهینه پارتو^۱ و یافتن ترتیب زیر بهینه‌های پارتو هستیم.

1- Pareto Efficient:

حالتی از تخصیص منابع است که در آن امکان بهتر نمودن وضعیت یک فرد بدون بدتر کردن وضعیت فردی دیگر وجود ندارد.

اگر الگو پارتو از نظر منافع عمومی قابل استحصال، توسعه و برداشت یک‌جانبه باشد، این الگو انتخاب و الگوهای مبتنی بر همکاری کنار گذاشته می‌شود زیرا در چنین شرایطی توجیهی برای همکاری و راهی مبتنی بر همکاری که رضایت همه شرکا در آن قابل کسب باشد، وجود نخواهد داشت. اگر بهترین الگو یکی از الگوهای مبتنی بر همکاری شرکا باشد، از آنجا که می‌توان ارزش اضافه خلق‌شده در همکاری را به نحوی بین شرکا قسمت کرد که همه برای همکاری در اداره مخزن انگیزه داشته باشند، امکان توافق نافع بر این الگو وجود دارد. بهره‌برداری از بیشترین ارزش اضافه-صرف نظر از اینکه چه مقدار به کدام شریک برسد- در صورت به توافق رسیدن بر سر این الگو ممکن می‌شود. در شرایطی که الگوهای دیگر منافع کشور را بهتر تأمین کند یا شریک به هر علت رغبتی به توافق بر این الگو نداشته باشد، پیگیری اولویت بعدی -که آن هم می‌تواند یکی دیگر از الگوهای مبتنی بر همکاری باشد- در دستور کار قرار می‌گیرد. اگر توافق بر الگوی اولویت‌دار بعدی نیز به دلیل بی‌رغبتی هریک از شرکا خارج از دسترس بود الگوی اولویت‌دار بعدی پیگیری می‌شود و درواقع این روند ادامه پیدا می‌کند تا بهترین الگو ممکن مورد توافق قرار گیرد. اگر علی‌رغم ارزش اضافه الگوهای همکاری، امکان توافق بر هیچ‌یک وجود نداشت، چاره‌ای جز بازگشت به الگوی اداره یک‌جانبه نخواهد بود.

چنانکه آمد مسئله، پیشینه‌سازی منافع عمومی کشور است. بنابراین پیشینه کردن منافع کشور بر رسیدن به بهینه پارتو مقدم است و چنانچه در برخی شرایط مجموع منافع استحصالی در همکاری افزایش یابد لکن منفعت کشور در همکاری تضعیف شود، دلیلی برای استقبال از همکاری باقی نمی‌ماند. تصمیم گیر باید همه الگوهای ممکن و پیشنهادشده در مذاکرات را با یکدیگر مقایسه کند و به الگوهای بهتر در پیگیری‌ها اولویت دهد. مذاکره‌کننده باید بکوشد سهم بیشتری از ارزش اضافه خلق‌شده را نصیب کشور کند.

الگوهای مختلف اداره میدان مشترک در زیر آورده و بر اساس توضیحات بالا مشخص شده است هرکدام در چه شرایطی اولویت نخست پیگیری را برای کشور دارند. الگوها به ترتیبی قرار گرفته‌اند که الگوهای بعدی خارج از دسترس و الگوهای قبلی به ترتیب در اولویت پایین‌تر تصمیم گیر قرار می‌گیرند.

انجام هیچ کار: صرف نظر کردن از توسعه میدان
بهترین در شرایط: عدم توجه اقتصادی توسعه میدان

منطق: اگر توسعه میدان با توجه به فناوری‌های در دسترس و قیمت سیال اقتصادی نباشد توسعه میدان از نظر اقتصادی^۱ سودی برای توسعه‌دهنده نخواهد داشت. بنابراین فارغ از اینکه شریک در سمت دیگر مرز مشغول به بهره‌برداری باشد یا نباشد، توسعه میدان از سمت خودی منتفی و راه باقی‌مانده، رها کردن میدان تا تغییر شرایط توجیهی اقتصادی است.

توسعه و برداشت یک‌جانبه: اقدام به بهره‌برداری بدون همکاری و هماهنگی با کشور بهترین در شرایط:

- ۱- به دلایل غیراقتصادی در طرف خودی یا شریک تمایل به همکاری وجود نداشته باشد.
- ۲- شرکا چنان در معرض بی‌ثباتی باشند که رسیدن به توافق و حفظ و نظارت بر آن بسیار دشوار یا مشکلات داخلی آن‌ها قابل‌سرایت به یکدیگر و همه این‌ها به ترتیبی باشد که هزینه‌های تمام اقسام همکاری بیش از فواید آن‌ها شود. به علت سرسختی یا زیاده‌خواهی شریک امکان همکاری وجود نداشته باشد.

منطق:

در شرایطی که به دلایل غیراقتصادی تمایلی به همکاری وجود ندارد یا منافع خالص همکاری برای کشور نسبت به توسعه یک‌جانبه کمتر باشد، عملاً گزینه‌ای جز توسعه یک‌جانبه وجود نخواهد داشت.

در دو وضعیت متفاوت در توانایی نسبی شرکا در توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک قابل‌تصور است. یکی آنکه امکانات شریک برای توسعه میدان به سبب شرایط داخلی در موقعیت ضعف باشد و دیگری آنکه کشور در وضعیت ضعف قرار گرفته باشد. در هر دو این وضعیت‌ها سرسختی و زیاده‌خواهی‌های شریک می‌تواند مانع توافق بر همکاری شود. در حالت نخست سرسختی شریک در امتیازدهی علیرغم ضعف در امکانات که موجب جا ماندن رقابت در برداشت می‌شود، توسعه یک‌جانبه را به‌عنوان بهترین الگو برای کشور باقی می‌گذارد. در حالت دیگر شریک با نگاه به موقعیت ضعیف‌تر کشور آن‌قدر در گرفتن امتیازهای بیشتر زیاده‌خواهی می‌کند که توجیه عمومی همکاری از بین می‌رود.

یک‌جانبه‌گرایی همکارانه: تشکیل کمیته فنی و بازاریابی مشترک

بهترین در شرایط:

- ۱- پیش‌ازاین توسعه میدان در دو سوی مرز انجام‌شده باشد.

- ۲- امکان کار کردن با پیمانکار واحد وجود ندارد.

منطق:

۱- توجیه اقتصادی توسعه میدان به قیمت تمام‌شده و قیمت بازار سیال بستگی دارد. قیمت تمام‌شده و قیمت بازار نیز به مشخصات فیزیکی مخزن و سیال، دسترسی به مخزن و فناوری‌های بهره‌برداری وابسته است.

در صورتی که پیش از این توسعه میدان در دو سوی مرز انجام شده باشد اصولاً هماهنگی برای توسعه میدان دیگر وجهی نخواهد داشت. در چنین حالتی کمیته فنی اطلاعات لازم را بین طرفین به اشتراک می‌گذارد و برنامه‌های تولید را هماهنگ می‌سازد تا جلوی آسیب احتمالی به مخزن و کاهش تولید در بلندمدت گرفته شود. کمیته بازاریابی مشترک موجب تقویت بازاریابی و فروش محصول می‌شود و جلوی رقابت تخریبی در فروش محصول را می‌گیرد.

در شرایطی که امکان استخدام یک پیمانکار برای کار کردن در دو سوی مرز به دلیل نزدیک نبودن سبک قراردادهای شرکا با پیمانکاران یا بیم از دست رفتن تسلط کامل بر میدان وجود نداشته باشد، این روش بهترین روش تعامل حتی درباره میداین کاملاً دست‌نخورده^۱ است.

یکپارچه‌سازی کامل: هماهنگی بین کشورهای شریک برای سپردن توسعه و بهره‌برداری مخزن به یک پیمانکار

سه نوع متفاوت از این روش تفکیک شده‌اند که هر کدام مزایا و مشکلات ویژه خود را دارند که بسته به شرایط شرکا باید یکی از آنها را اجرا کرد. بهترین در شرایط:

امکان انتخاب پیمانکار واحد برای کار در دو سوی مرز وجود داشته باشد.

نوع اول: هماهنگی، کارفرمایی مستقل، پیمانکار واحد

با هماهنگی شرکا مذاکره با یک پیمانکار انجام و قرارداد توسعه میدان به صورت مستقل اما طوری تنظیم می‌گردد که کار در هر دو سوی مرز جذابیت یکسانی برای پیمانکار داشته باشد.

نوع دوم، تشکیل یک نهاد مشترک

تشکیل یک نهاد مشترک که تحت نظارت و مدیریت شرکا عمل می‌کند. این نهاد مشترک که هر شریک متناسب با سهم توافق شده از میدان، در سهام آن شرکت دارد به عنوان کارفرما در مقابل پیمانکار واحد قرار می‌گیرد.

نوع سوم، سپردن به یکی از شرکا

سپردن کارفرمایی توسعه میدان به یکی از شرکا به ترتیبی که او با پیمانکار وارد مذاکره شده و انعقاد قرارداد را انجام دهد و پس از بهره‌برداری از میدان سهم توافق شده از محصول یا درآمد حاصل از آن را به کشور بازگرداند.

درباره هر سه نوع علاوه بر بهره‌برداری، بازاریابی را نیز می‌توان به صورت یکپارچه انجام داد. برای این مهم در نوع اول کمیته مشترک بازاریابی باید تشکیل شود، در دو نوع دیگر نهاد مشترک یا شریک مسئول این وظیفه را بر عهده می‌گیرد.

در هر سه نوع مدیریت، یکپارچه - که لازمه تولید صیانتی از میدان است - انجام می‌شود. درباره نوع دو و سوم، چالش اصلی تعیین سهم هر کشور از عواید میدان است. مذاکره درباره سهم هر کشور معمولاً تنها به یک مرحله محدود نمی‌شود و مذاکرات بازنگری در سهم‌ها در طول مدت اجرای قرارداد نیز انجام می‌شود که این خود ظرفیت تبدیل شدن به مسئله اختلافی را دارد. در نوع اول این چالش وجود ندارد و هر کشور مالک هر مقدار سیالی است که از محدوده مرزی‌اش استخراج می‌شود. در مقابل چالش نوع اول رسیدن به مبنایی برای تقسیم هزینه‌های پیمانکار بین شرکا است خصوصاً که برخی از تأسیسات ساخته شده مشترکاً برای همه شرکا استفاده می‌شوند.^۱

انواع دوم و سوم یکپارچه‌سازی هر یک بیش از دیگری منافع شرکا را به یکدیگر گره می‌زنند و به همین دلیل از یک سو به کشورهای در معرض تحریم و بی‌ثباتی امکان ایمنی بیشتری می‌دهند اما از سوی دیگر امکان سرایت مشکلات - مشکلاتی مثل تحریم و بی‌ثباتی - شرکا به یکدیگر را در خود دارند.

انواع دوم و سوم سطح بالایی از اعتماد بین شرکا را طلب می‌کند و در عین حال لازم است نظارت بر عملکرد نهاد مشترک یا شریک مسئول همواره مورد توجه قرار گیرد.

در میان الگوهای بالا هر چه از یک‌جانبه‌گرایی فاصله بگیریم، بر سطح همکاری‌ها و هزینه و فایده‌های آن افزوده می‌شود. شروع هر نوع همکاری خطر تنش‌های مربوطه احتمالی در روابط شرکا را کاهش می‌دهد و صرفه‌جویی‌هایی در بهره‌برداری از مخزن مشترک را موجب می‌شود. هر چه سطح همکاری بالاتر رود زمینه برای اجرای تولید صیانتی بهتر شده و منافع شرکا نیز بیش‌ازپیش به هم گره می‌خورد. گره خوردن منافع شرکا از یک طرف موجب تنوع در روابط خارجی شده و از سوی دیگر شرکا را در مقابل خطرات متوجه یکدیگر آسیب‌پذیر می‌کند. اگر تصمیم گیران برای تسلط محض بر میدان اهمیت زیادی قائل باشند به سطوح پایین‌تر همکاری گرایش بیشتری خواهند داشت.

در پیگیری الگوی یک‌جانبه شرکا به رقبا تبدیل می‌شوند و هر کدام در پی تصاحب سهمی بیشتر از مخزن مشترک به رقابت می‌پردازند. در صورتی که بنا بر پیگیری این الگو است و در شرایطی که فرآیند توسعه میدان در سوی دیگر مرز جلوتر است، از نظر فنی اولویت انتخاب پیمانکار با همان پیمانکار مشغول به بهره‌برداری در سوی دیگر مرز است. زیرا او به دلیل دسترسی به اطلاعات فنی سوی دیگر میدان بیش از بقیه امکان اجرای بهترین شیوه ممکن بهره‌برداری را خواهد داشت. در چنین شرایطی قراردادهای پیشنهادی به پیمانکار نباید

۱- برای حل این مسئله راه‌های مختلفی ارائه شده که از آن میان یک‌راه ساده و منصفانه تقسیم بر اساس میانگین تولید یا میزان استفاده از تأسیسات اشتراکی است.

جذابیت کمتری نسبت به قراردادهای طرف دیگر مرز داشته باشند. در غیر این صورت پیمانکار به استفاده که از اطلاعات این سوی مرز برای بهره‌برداری بیشتر از آن طرف مرز انگیزه خواهد داشت^۱.

۴- اولویت‌بندی الگوها برای اداره میادین مشترک با عراق

در این بخش با توجه به مشخصات الگوها، وضعیت میادین مشترک ایران و عراق و روابط فی‌مابین دو کشور الگوهای اداره میادین مشترک اولویت‌بندی می‌شوند تا بر اساس اولویت‌ها نسبت به نیل به بهترین الگوها اداره میادین اقدام شود.

توسعه میادین مشترک ایران و عراق که در خشکی که در میادین متوسط، بزرگ و فوق بزرگ و از منابع متعارف هستند از نظر اقتصادی توجیه‌پذیری بالایی دارد.

در مجموع دو کشور تو آن نسبی یکسانی در توسعه میادین مشترک دارند. هر دو کشور ایران و عراق برای توسعه میادین خود با مشکلاتی مواجه هستند، اگر ایران با خطر بازگشت تحریم‌ها یا تنش در روابط خارجی با کشورهای غربی مواجه است عراق ضعف در زیرساخت‌های توسعه‌ای و خطر بی‌ثباتی سیاسی و مشکلات امنیتی را دارد (شالباف و ملکی ۱۳۹۵).

به توافق رسیدن درباره همکاری‌های سطح پایین، ساده‌تر است. با توجه به حساسیت‌های ایران نسبت به تسلط بر میدان و ریسک سرایت مشکلات طرفین به یکدیگر در همکاری سطوح بالاتر برای آغاز تعامل دو کشور می‌توان به همکاری‌های سطح پایین‌تر درباره یکی از میادین اکتفا کرد. پس از یک تجربه همکاری و به دست آمدن ارزیابی بهتری نسبت به عدم قطعیت‌ها می‌توان درباره گسترش همکاری‌ها در دیگر میادین تصمیم‌گیری کرد. بنابراین برای تجربه اول همکاری، به ترتیب نوع اول یکپارچه‌سازی کامل، نوع دوم، نوع سوم و در نهایت یک‌جانبه‌گرایی همکاری‌ها در اولویت هستند و برای رسیدن به این الگوها لازم است مذاکره با طرف عراقی آغاز شود. در صورت ثمربخش نبودن این مذاکرات الگو ناگزیر یک‌جانبه‌گرایی است.

بهتر است میادینی برای شروع همکاری انتخاب شوند که به توافق رسیدن درباره آن‌ها ساده‌تر است. به این ترتیب می‌توان از تجربه موفق همکاری در این میادین برای شروع همکاری

۱- گاهی به دلیل ملاحظات سیاسی حاکم بر روابط شرکا یا به علت عدم تمایل پیمانکار فعال در آن سوی مرز به عقد قرارداد امکان کار کردن با آن پیمانکار وجود ندارد. ممکن است پیمانکار از پیش تعهدی برای عدم پذیرش کار در طرف دیگر مرز داده یا مایل به تبعیت از خواست کارفرمای آن سوی مرز باشد.

در میادین سخت‌تر استفاده کرد. میادین کوچک‌تر از جهت اینکه در دو کشور حساسیت کمتری درباره آن‌ها وجود دارد، برای شروع همکاری مناسب‌تر هستند.

همکاری در میادین دست‌نخورده ساده‌تر از میادین توسعه‌یافته است، زیرا هر چه مراحل توسعه یک میدان پیش رود، اطلاعات بیشتری در مورد میدان در اختیار توسعه‌دهنده قرار خواهد گرفت. اطلاعات بیشتر عدم تقارن اطلاعات در اختیار طرف‌های تصمیم‌گیری را که اثر آن تحمیل هزینه و اتلاف وقت در رسیدن به توافق و گاهی هم شکست چانه‌زنی است^۱، دامن می‌زند. از طرفی علاقه و اصرار هرکدام از طرفین به اولویت دادن میدان‌های عقب‌مانده از شریک برای آغاز همکاری، واگرایی منافع طرفین را تشدید می‌کند. رسیدن به توافق همکاری در مدیریت منابع مشترک نفت و گاز در نمونه‌های موفق جهانی نیز عموماً در مرحله پیش از توسعه انجام شده‌اند.

میدان‌های آبان، آذر، اروند و سهراب هم میدان‌هایی به نسبت کوچک هستند و در دو سوی مرز هم توسعه داده نشده‌اند. به این ترتیب همکاری در این میادین ساده‌تر است و تجربه همکاری در آن‌ها مبنایی برای همکاری‌های بعدی خواهد بود.

در مراحل بعدی همکاری که می‌توان به سراغ مواردی که توافق درباره آن‌ها دشوارتر است نیز رفت، پیشنهاد می‌شود یک میدان که ایران در توسعه آن جلوتر و یک میدان که عراق در توسعه آن پیشرفت بیشتری داشته است به لیست همکاری‌ها اضافه شود.

منطق امنیت انرژی ایجاب می‌کند توسعه یکی از میادین مشترک در قالب نوع سوم یکپارچه‌سازی به ایران و یک میدان به عراق سپرده شود. این نوع از همکاری منافع دو کشور در مورد میدان موضوع همکاری را بیش‌ازپیش به یکدیگر گره می‌زند. سپردن توسعه و بهره‌برداری یکی از میادین مشترک به عراق به ترتیبی که کار توسعه و بهره‌برداری آن را عراق انجام و سهم ایران از عواید فروش نفت را به او انتقال دهد، تا حدی از تأثیرپذیری اداره آن از مسائل داخلی ایران جلوگیری کرده و موجب این امیدواری است که این میدان از تحریم‌های بین‌المللی - در صورت بازگشت آن‌ها - کناره بگیرد. سپردن مدیریت یک میدان به ایران، خیال عراق بابت یک میدان آسوده می‌کند که در صورت بالا گرفتن بی‌ثباتی در عراق یک میدان از این بی‌ثباتی در امان خواهد بود. پیشنهاد می‌شود پس از یک تجربه همکاری که زمینه‌ساز اعتماد و تسهیل گر توافقات بعدی است، نوع سوم یکپارچه‌سازی نیز - که مستلزم سطح بالاتری از همکاری است - در دستور کار قرار گیرد.

۱- اطلاعات نامتقارن مذاکرات را دشوار و طولانی‌تر و در نهایت مسبب تدوین توافقنامه و قرارداد بر اساس اطلاعات جزئی‌تر ولی ناقص است (Wiggins ۱۹۸۵). در قراردادهای ناقص برخی موارد رخداد احتمالی در آینده مسکوت گذاشته و وظایف طرفین در صورت بروز یک پیشامد خاص به صراحت معین نشده است که همین عدم شفافیت در تنظیم قرارداد می‌تواند در آینده منشأ اختلاف طرفین باشد (اخوان ۱۳۹۳).

۵- نتیجه

در این مطالعه پس از بررسی فواید و هزینه‌های الگوهای همکاری از نظر دو بعد فنی-اقتصادی و سیاسی و امکان‌پذیری پیگیری برخی گزینه‌ها از نظر حقوقی، مدلی برای تصمیم‌گیری درباره اداره میداین مشترک ارائه شد. راه‌های تعاملی در اداره میداین مشترک با عراق اولویت‌بندی و پیشنهاد شد همکاری از چه میداینی آغاز و به چه میداینی گسترش یابد.

۶- توصیه‌های سیاستی

- ۱- مذاکره با طرف عراقی باهدف رسیدن به الگویی برای همکاری شروع شود.
- ۲- آغاز مذاکرات درباره میداین ساده‌تر، کوچک‌تر و با هدف رسیدن به الگوهای آسان‌تری از همکاری باشد.
- ۳- برای تجربه اول همکاری، نوع اول یکپارچه‌سازی کامل و پس‌از آن نوع دوم و سوم و درنهایت یک‌جانبه‌گرایی همکارانه در اولویت هستند.
- ۴- مذاکره موفق نیاز به تیم مذاکره‌کننده مجرب با اختیارات گسترده برای اخذ تصمیم‌های سیاسی-اقتصادی دارد. با توجه به ابعاد متنوع موضوع لازم است یک تیم با تخصص‌های فنی، اقتصادی و سیاسی از سطح سیاسی وزارت نفت مسئولیت مذاکره را بر عهده گیرند.
- ۵- بین ایران و عراق در سال ۱۳۹۰ یک توافق کلی به دست آمد. بر اساس آن توافق از جمله مقرر شد در میدان مشترک سهراب همکاری‌هایی صورت گیرد. همان توافق می‌تواند پیگیری و آغازی برای همکاری‌های بعدی شود.
- ۶- در مواردی که نیاز به تشکیل کمیته فنی مشترک جهت تبادل اطلاعات بین طرفین هست، نگرانی‌ای که همواره وجود دارد احتمال سوءاستفاده طرف مقابل از اطلاعات طرف دیگر برای برداشت بیشتر یا تسریع مهاجرت سیال به سمت خود است. در پاسخ به این نگرانی می‌توان در جلسات فنی تنها به سطحی از ارائه اطلاعات پرداخت که بهره‌برداری از آن منوط به همکاری عملیاتی و در نتیجه غیرقابل سوءاستفاده باشد. ارائه اطلاعات حساس‌تر را می‌توان تا طی فرایند اعتمادسازی در طول مذاکره به تأخیر انداخت.
- ۷- مبانی سهم بری متفاوتی برای تسهیم مخزن مشترک قابل طرح است. هرکدام از این مبانی نتایج متفاوتی دارد. در بحث برای تسهیم میدان باید به مبانی فنی موضوع و شرایط مخزن در درون مرزها توجه داشت تا بیشترین سهم ممکن از مخزن عاید کشور شود.
- ۸- مادامی‌که علیرغم تلاش‌ها برای جلب همکاری، توافق برای توسعه مخازن مشترک با شریک در دسترس نباشد، ایران باید در اکتشاف و توسعه مخازن مشترک بیش‌ازپیش

کوشش کند. در جهت نیل به این هدف می‌توان از ارائه قراردادهای جذاب‌تر برای جذب سرمایه‌گذار به میادین مشترک استفاده کرد. به این ترتیب شرکا که ناظر پیشرفت‌های کشور در بهره‌برداری از میدان خواهند بود به همکاری ترغیب می‌شوند.

۹- باید از پیمانکاران فعال در میادین مشترک تعهد گرفته شود که بدون کسب رضایت کارفرما از انجام عملیات در همان مخزن مشترک در کشور شریک اجتناب ورزند.

۱۰- در شرایطی که در شریک اراده‌ای برای همکاری احساس نمی‌شود لازم است ضمن ارزیابی تبعات سیاسی، پیگیری و اقدامات حقوقی را جهت اعمال فشار سیاسی بر شریک انجام داد.

مراجع

الف) منابع فارسی

- ۱- آخانی، حسین. ۱۳۸۹. *هجوم دوباره گرد و غبار به غرب کشور*. خبرآنلاین.
- ۲- اخوان، مهدی. ۱۳۹۳. "قرارداد بیع متقابل توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان گازی پارس جنوبی از منظر قراردادهای ناقص". *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران* ۱-۳۲.
- ۳- امانی، مسعود، و مصطفی شفیعی زاده خولنجانی. ۱۳۹۱. "تطابق ساختار قراردادهای «مشارکت در تولید» با الزامات حاکمیت و مالکیت ملی بر مخازن نفتی". *مجلس و راهبرد* ۱۴۱-۱۷۱.
- ۴- ۱۳۹۱. *تکلیف یکی از میادین مرزی اروندان مشخص شد*. NIOC.
- ۵- جهانی، فرخزاد. ۱۳۹۰. "بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز و تحدید حدود دریایی". *مجله حقوقی دادگستری* ۱۱۳-۱۴۵.
- ۶- حیدری، محسن. ۱۳۹۴. *انتقاد تند عضو مجلس خبرگان: شرکت نفت همه چیز را نابود کرد*. عصر نفت.
- ۷- شالباف، محسن، و عباس ملکی. ۱۳۹۵. *ارائه مدلی جهت تصمیم‌گیری در انتخاب بهترین روش تعامل در زمینه بهره برداری از میادین مشترک نفت خام و گاز طبیعی بین ایران و عراق با استفاده از نظریه بازی ها*. دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۸- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. ۱۳۹۳. *حقوق بین‌الملل عمومی*. کتابخانه گنج دانش.
- ۹- کاشانی، جواد. ۱۳۸۷. "وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز واقع در مرز بین کشورها". *مجله حقوقی* ۱۶۵-۲۱۹.
- ۱۰- محمدی زاده، محمد جواد. ۱۳۹۱. *ضرب‌الاجل ۱۵ روزه محیط زیست به شرکت نفت آزادگان*. خبرگزاری فارس.
- ۱۱- یادگاری، حسین، هدی پناهی نژاد، و محمدحسین امامی میبیدی. ۱۳۹۲. *بررسی تاثیر توسعه میادین نفتی عراق بر بازار نفت، اوپک و ایران*. موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

ب) منابع انگلیسی

- 12- Acheson, Chris .2011 .*Disputed Claims in the East China Sea* .The National Bureau of Asian Research.
- 13- .2015Annual Statistical Bulletin. OPEC.
- 14- 2009. *Iraq-Iran in oilfield dispute*. aljazeera.
- 15- Ong, David“. 1999. *Joint Development of International Common Offshore Oil and Gas Deposits: 'Mere' State Practice or Customary International Law* ”?American Journal of International Law (AJIL.804-771 (

16- .2013 *Top Ten Highest Producing Oil Fields* .Petro Global News.

17- Wang, Ning“ .2013 .*Measuring Transaction Costs: An Incomplete Survey* ”. RONALD COASE INSTITUTE .

18- Wiggins, Steven N., and Libecap, Gary D“ .1985 .*Oil Field Unitization: Contractual Failure in the Presence of Imperfect Information* ”.The American Economic Review.385-368